

حاشیه‌ها به کمک تاسپان آمد

در ارتباط با سریال شبکه خانگی با متخصص حوزه فرهنگ و ارتباطات گفت وگو کردیم

برش

نگران جریان‌های انحرافی هستیم

نگران جریان‌های انحرافی مذهبی و دینی هستیم. من ناخودآگاه جریان روشنفکری این فضا را به‌عنوان جریان روشنفکری تلقی نمی‌کنم بلکه جریان عمیق‌تر است و آن را در همین جریان انحراف‌های مذهبی و عقیدتی و اجتماعی می‌بینم. من فقط می‌گویم خدا نکند مافیایی در پشت این جریان باشد.



علی مفاه‌ری
جام جم آنلاین

۱. لایه‌هایی در این سریال وجود دارد که علاوه بر سفیدشویی رژیم وابسته گذشته، به‌شکلی ناشیانه یا عامدانه، نشانگر برخی کزروی‌ها و انحراف‌های تاریخی، بینشی و اجتماعی است.

اگر تأمل کنیم که این اثر خروجی چه جریان یا تفکری است، خود این موضوع جای بحث و گفت‌وگویی جدی دارد اما به‌نظر می‌رسد این کار شاید صرفاً سفیدنمایی نباشد، بلکه نوعی «سفیدسازی» به‌شمار بیاید؛ یعنی انگار جریانی آمده و چنین خواستی را با روندی بسیار ملایم و محتاطانه، طرح کرده است. برای مثال، در قسمت‌های اول و دوم سریال، به‌نظر می‌رسد فضایی «دگرسان» را، به‌رغم وجود واقعیت‌ها و داده‌های تاریخی، می‌کوشد به‌تصویر بکشد. مثلاً چهره‌ای که از آقای شاملو نشان داده می‌شود یا بحثی که درباره‌ی آقای بیضایی مطرح می‌شود (در حالی که هر دودر فضای انقلاب جهت‌گیری‌های مثبتی داشتند) در این سریال به‌گونه‌ای متفاوت و گاه یک‌سویه بازنمایی می‌شوند. همچنین،

جهت‌گیری‌های منفی، علاوه بر کارکردهایی که داشتند، در این سریال به شکلی مستقیم یا غیرمستقیم ستوده می‌شوند. این نگاه یک‌سویه و تک‌بعدی به موضوعات، خود جای تأمل و بررسی بیشتر دارد.

۲. از پیش می‌توان این‌گونه روشنگری کرد که پدیدآورنده یک‌اثر در همان وقتی

گواه این است که در واقع، در «ناخودآگاه پالایشی» این اثر، می‌توان نوعی حس مرتبط با بهائیت یا جریان ضد اسلام ناب و حقیقی را دریافت. البته در اینجا نمی‌توانم مدرک و دلیل محکمی ارائه دهم، زیرا وقتی ساخت بحث ما هنری است، سخن گفتن از دلیل و استناد چندان جایگاهی ندارد. همان‌طور که روال معمول در بحث‌های هنری است، سخن از «برداشت مخاطب» و آزادی اودر «تأویل متن» است.

صحبت از اثری است که با تمهیداتی خاص، به‌مطرح کردن افرادی پرداخته که تمایل و جهت‌گیری‌هایی به جریان چپ داشتند یا به نوعی با آن شناسایی می‌شدند. البته در این اثر تقابل مستقیم مطرح نیست؛ یعنی پدیدآورنده قرار نیست جریان چپ را در مقابل جریان مردم ایران اسلامی یا مردم انقلابی که جهت انقلاب را شکل دادند، قرار دهد اما در عمل می‌بینیم که جریان چپ در تقابل با این انقلاب مردمی نشان داده می‌شود، زیرا اصل ماجرا تضعیف جریان اسلامی است. این اثر، با ظرافتی خاص، تلاش می‌کند تا جریان چپ را به‌گونه‌ای بازنمایی کند که گویی در مقابل انقلاب مردمی ایستاده است، در حالی که هدف نهایی آن تضعیف جریان اسلامی و ارزش‌های آن است.

۳. این‌که تضعیف جریان اسلامی اصولاً به‌نفع کدام رویکرد است که دیگر روشن است؛ تضعیف جریان اسلامی دقیقاً و شدیداً به‌سود جریان‌های متحرف دینی است!

باید تأکید کنیم که هیچ ستیزی در میان نیست و باز هم روشن می‌کنیم که شاید خود نویسنده یا صاحب اثر، در لحظه خلق متن فیلمنامه و اثر نهایی، متوجه این اثر نهایی، معناهای ضمنی و حاشیه‌های عجیب نبوده است. به‌راحتی می‌توان



گفت که پشتوانه‌ها و پشتیبان‌های مالی که این جریان را حمایت و هدایت می‌کنند، بسیار پیچیده و گسترده‌اند. اگر به فضای تولید سینمایی و سریال‌سازی نگاهی بیندازیم و کارنامه سازنده این سریال را بررسی کنیم، می‌بینیم که معدود کارهای اومورد توجه مخاطبان قرار نگرفته و هیچ‌گاه نتوانسته‌اند فروش قابل قبول یا جایگاه پذیرفتنی کسب کنند. باین حال، شاهدیم که فعالیت‌ها و ساخت‌وسازهای او همچنان ادامه دارد. از شما می‌پرسم: به‌عنوان یک فیلمساز می‌توانید چنین روند زیان‌بار و غیرقابل قبولی را ادامه دهید و همچنان به تولید آثار بپردازید؟

به این سریال نگاهی بیندازید؛ در یک سکانس، پدر خواستگار

این‌که به‌نام آزادی بیان، با دست باز در برداشت از داده‌های تاریخی، گشودن افق‌های کار هنری، یا با نقاب آزاداندیشی به تحریف واقعیت‌های تاریخی بپردازند و توهم را به‌جای واقعیت جا بزنند، تا جایی که آشکارا «سفیدشویی» دوران پهلوی را با آن پیشینه سرسپردگی و وطن‌فروشی رقم بزنند، یا حتی ساواک را به‌عنوان سازمانی عامل بیگانگی، با آن پرونده سیاه و کارکردی که در راستای منافع رژیم غاصب و آمریکا داشت، دگرسان نشان دهند؛ [همه و همه نکاتی است که] در تاسیان به چشم می‌خورد؛ اما به‌راستی، این سریال اصلاً بار و ارزش توجه ندارد و حتی پرداختن به آن فقط بیشتر به‌مطرح‌شدنش می‌انجامد، بدون این‌که سزاوار این همه حرف و حدیث و حاشیه باشد. اتفاقاً بنا به تجربه ما در توقیف‌های قبلی، این اقدامات تنها به سرایت ویروس کنجکاوی در مخاطبان و بیشتر دیده‌شدن اثر منجر می‌شود. در این رابطه با محسن عامری، متخصص حوزه فرهنگ و ارتباطات و عضو هیات‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی، به گفت‌وگویی پرداختیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

را نشان می‌دهد و «تیمسار سالار» تأکید می‌کند: «این جماعت روشنفکر به‌دنبال تشویق هستند. واقعیت این است که با حرف سیاسی‌زدن، بیشتر برای‌شان دست می‌زنند تا به‌خاطر شعر و هنرشان. روشنفکرها عقیده دارند برای جلب توجه باید حرف‌های سیاسی بزنند تا بیشتر دیده شوند.» به عبارتی دیگر، انگار خود پدیدآورندگان سریال از چنین تاکتیکی استفاده می‌کنند تا به‌نوعی بیشتر دیده‌شوند.

به صراحت می‌گویم که چندان خوشبین به این جریان نیستم. این جریان‌ها مانند موجی در جامعه طراحی و اجرا می‌شوند اما ناگزیر از قطع‌شدن ناگهانی هستند. به عبارت دیگر، این جریان به‌طور ناگهانی و یک‌باره شکسته می‌شود. آن‌هم در شرایطی که یک جوشش یا جریان انقلابی سر برمی‌آورد و در مقابل این جریان قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی است که می‌بینیم قوانین نیز «تا می‌شوند» و تغییر می‌کنند. این جریان اقتصادی‌قدرتمند توانمند، نگاه‌ها و نظرها را تغییر می‌دهد. من با اطمینان به شما می‌گویم که این سریال، هرچند به شکلی دیگر و گونه‌ای متفاوت، ادامه خواهد یافت و دوباره ساخته خواهد شد. در واقع، همه ما با چنین واکنش‌هایی، به‌نوعی تبلیغ بزرگی برای این سریال انجام داده‌ایم.

۴. ذهنیت من به‌عنوان مخاطب، به دلیل هشدارها و اشاره‌هایی که مطرح کردید، دگرگون شد. به همین دلیل، از ساختار این سریال سؤال دارم؛ آیا چنین مجموعه‌ای اساساً ظرفیت و ابعادی دارد که بتواند تأثیری واقعی روی مخاطبان بگذارد؟ یا صرفاً به این دلیل توجه‌ها را جلب کرده که معمولاً وقتی از نمایش فیلم‌ها جلوگیری می‌شود، این اقدام خودبه‌خود باعث کنجکاوی و جلب توجه بیشتر مخاطبان می‌گردد؟

ما پیش از این نیز جریان «توقیف و توقیف» را در فیلم‌هایی مانند «آدم‌برفی» تجربه کرده‌ایم. حتی پیش از انقلاب، چنین روندی را از توقیف فیلم سینمایی «گاو» به‌بعد شاهد بوده‌ایم؛ یعنی فیلم‌هایی که پس از توقیف، توفیق یافتند و حتی به‌عنوان آثار فاخر مطرح شدند، مانند سه فیلم نخست «گاو»، «آدم‌برفی» و «مارمولک»، یا آثاری مانند «به‌رنگ ارغوان»، اثر حاتمی‌کیا، «خانه پدری» کیانوش عیاری، سریال‌هایی مانند «شیکه مخفی زنان» و «زخم کاری»، علاوه بر این، چنین داده‌هایی نشان می‌دهد که حاکمیت نسبت به برخی موضوعات، نه با اغماض برخورد کرده و نه به‌کلی چشم‌پوشی کرده اما ممکن است این تصور ایجاد شود که سریالی مانند تاسیان نیز در همین جایگاه قرار بگیرد و از رهگذر توقیف، دیدنی‌تر و جذاب‌تر به نظر برسد. این کارگردان،



البته مدتی طولانی اصرار داشت جلوی دوربین باشد و پس از مدتی به‌سمت کارگردانی گرایش پیدا کرد اما این جریان و جلوگیری از ادامه آن، فضایی پیچیده را در ذهن تداعی می‌کند. اکنون جریان قانون حجاب را داریم که براساس آن، خطوط و محدوده‌ها مشخص می‌شوند و اندازه‌گیری‌هایی انجام می‌گیرد که شمای نوعی این کار را تکمیل و آن کار را انجام دهد اما در همان حال، ناگهان مجموعه یا سریالی از سازوکار جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود که... هرچه می‌سنجی، می‌بینی این دو با هم هماهنگ نیستند و به هم نمی‌خورند. این خروجی با آن خروجی سازگار نیست؛ مگر می‌شود چنین چیزی ممکن باشد؟

۵. یک نظریه یا برداشتی وجود دارد که اذعان دارد هنرمند، [هنرمند] به دنیا می‌آید و نظریه‌ای دیگر توجیه می‌کند که هنرمند ساخته می‌شود!

حالا اگر به کارنامه این بنده خدا نگاهی بیندازیم، مشخص است که فیلم‌هایی که ساخته، چندان بار و ارزش هنری ندارند. این آثار به عبارتی شکوهمند نیستند. یکی از استادان من، جمال میرصادقی، بحثی با عنوان «عامل شکوهمندی در هنر» دارد که براساس آن، در توصیف یک اثر هنری می‌گفت: «تنها وقتی یک اثر هنری از زمان و مکان می‌گذرد که پس از سال‌ها، اگر مخاطبان دوباره آن را ببینند، [متوجه می‌شوند] همچنان معنای تازه‌ای دارد و لایه‌های معنایی‌اش تاگی خود را حفظ می‌کند.» بر این اساس، با سنجه‌هایی مانند زمان، مکان و مؤلفه‌هایی که در مانایی اثر نقش دارند، می‌توان هر فیلم، سریال یا اثر هنری را شکوهمند دانست یا نداشت.

برای مثال، شمایس از گذشت سال‌ها و دگرگونی‌های روزآمد، در زمان و مکانی دیگر می‌توانید دوباره آن فیلم یا اثر هنری خاص را ببینید، از آن لذت ببرید و برایتان جذابیت داشته باشد، و حتی مفاهیم جدیدی از آن استخراج کنید اما بعید می‌دانم چنین اتفاقی برای سریال تاسیان بیفتد. آیا چنین اتفاقی برای «خانه کاغذی» افتاد؟ یا اصلاً یک‌شکشی وجود دارد که «خاتون» را چندان بار ببینید؟ به‌خداپناه می‌برم و بخودالله می‌گویم؛ نکند همه این دلسوزی‌ها، روشنگری‌ها، نقدها و سخنان، در نهایت خدمتی به این فضای میانمایه باشد. نکند این جریان از این همه نقد و تبلیغات ضد، سود برد و حتی دیدنی‌تر شود!... ممکن است مخاطبان کنجکاو شوند و کسانی که این سریال را ندیده‌اند، مجاب شوند که بروند و ببینند چه خبر بوده است. در نهایت، سود این فعالیت‌ها به سکوی پخش‌کننده و پلتفرم می‌رسد. ما از این رهگذر، با توجه به تجربه توقیف‌های قبلی، انگار داریم نوعی قهرمان تحویل جامعه می‌دهیم.

۶. پس معتقدید این قطع و پخش مجدد خیلی با ذکاوت و هوشیاری عمیق ترو بهتری باید انجام می‌شد؟

در این رابطه مثالی می‌زنم: زمانی در جمهوری اسلامی، تعاونی‌های اعتبار راه‌اندازی شدند اما در این زمینه خلأقانونی وجود داشت. از قبل این خلأقانونی، برخی افراد به ایجاد فضاهای مالی دست زدند که شکل و کارکرد بانک‌ها را داشتند. پس از مدتی، وقتی دارایی‌های بسیاری از مردم دست‌شان آمد، مسئولان تازه متوجه شدند که این تعاونی‌ها مجوز قانونی نداشتند و پس از آن بود که اجازه فعالیت به آنها داده شد. اکنون، همین پلتفرم‌ها شبیه همان تعاونی‌های اعتبار شده‌اند که تکلیف‌شان از لحاظ قانونی مشخص نیست. قانونگذار در برخی موارد آنها را رها کرده و ندیده گرفته است، و در برخی موارد دیگر سفت و سخت برخورد می‌کند. در این میان، طبقه خاصی هستند که از این فضا استفاده می‌کنند و به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند.

۷. در حالی که هر روز ما می‌بینیم، فضای مجازی چه دامنه‌های گسترده‌تری را پوشش می‌دهد و اثرگذاری عمیق‌تری هم دارد!

بله، پلتفرم‌ها دایم در حال رشد هستند و شبکه‌های اجتماعی در حال کوچک‌تر شدن هستند. مهم این است که قانونگذار و نهادهای قانونگذاری باید در سازوکار پلتفرم‌ها وارد شده یا دید

روزآمد و نگاه فراگیر و از افقی روشن به قانونگذاری در این‌باره بپردازند.

در اینجا مجلس باید وارد عمل شود و قانون جامع‌تر و قوی‌تری وضع کند که با مسائل روزآمد هماهنگ باشد. البته شبکه خانگی نیز به‌نوعی زیرمجموعه این قانون و فضا است و باید تمکین قانونی داشته باشد و تبعیت لازم را از خود نشان دهد.

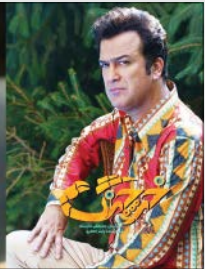


ادامه مطلب را در جام جم آنلاین بخوانید

اکران برخط

دو فیلم دیگر به اکران برخط رسیدند

دو فیلم «ساعت ۶ صبح» و «خرچنگ» راهی اکران آنلاین می‌شوند. فیلم ساعت ۶ صبح به کارگردانی و نویسندگی مه‌ران مدیری و تهیه‌کنندگی علی اوجی، داستان دختری را روایت می‌کند که قصد مهاجرت به کانادا برای

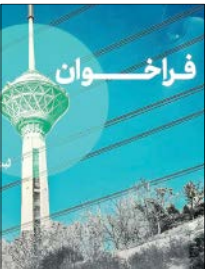


ادامه تحصیل دارد و پروازش ساعت ۶ صبح است. این فیلم سال ۱۴۰۳ اکران شد و از ۲۱ اسفند به صورت آنلاین در دسترس قرار می‌گیرد. همچنین فیلم سینمایی کمدی خرچنگ به کارگردانی مصطفی شایسته و تهیه‌کنندگی یاسر جعفری و با بازی گوهر خیراندیش، حامد آهنگی، محمدرضا علیمردانی، هدیه بازوند، الهام فراراه، مهسا کامیابی، رویا وحدتی، علیرضا استادی، رضا ناجی، حمید گودرزی، کمند امیرسلیمانی، شقایق فراهانی، شهره سلطانی و حمید اسغری، حول محور سعید می‌چرخد، جوانی که به دنبال پولدار شدن از طریق ازدواج با زنان ثروتمند است. اما وقتی یکی از این زنان تصمیم می‌گیرد از او جدا شود، آرزوهایش نقش بر آب می‌شود. این فیلم نیز از ۲۸ اسفند به صورت آنلاین عرضه خواهد شد.

جشنواره

فراخوان نهمین جشنواره فیلم شهر منتشر شد

نهمین جشنواره فیلم شهر و محله با شعار «یک شهر و هزار قصه» بخش ویژه‌ای را به ایده، طرح و فیلمنامه اختصاص داده است. این دوره از جشنواره بر فیلمنامه و ایده‌های نو با موضوعات مرتبط با شهر و زندگی شهری تاکید دارد. ایده‌ها و فیلمنامه‌های ارسالی توسط هیات انتخاب متشکل از کارشناسان سینمایی و اجتماعی بررسی و در صورت تایید، توسط موسسه تصویر شهر حمایت می‌شوند تا پس از طی مراحل قانونی و حرفه‌ای، تولید و اکران شوند. این بخش پذیرای طرح‌ها و فیلمنامه‌های بلند با محوریت شهر تهران است. علاقمندان می‌توانند آثار خود را از طریق سوپر اپلیکیشن شهرزاد یا سایت جشنواره به نشانی shahrffilmfestival.ir ارسال کنند. همچنین، کارگاه‌های فیلمنامه‌نویسی با حضور استادان برجسته در بهار سال آینده برگزار خواهد شد. آخرین مهلت ثبت‌نام در این بخش، روز پایانی کارگاه‌هاست. در اختتامیه جشنواره، تندیس شهرزاد، دیپلم افتخار و جایزه نقدی به بهترین ایده، طرح و فیلمنامه اهدا می‌شود.



قاب

درخشش «حبیب‌الله» در لهستان

مستند حبیب‌الله به نویسندگی و کارگردانی عدنان زندی جایزه بهترین مستند بیست و هشتمین جشنواره زوم لهستان را به دست آورد. حبیب‌الله روایت زندگی خواننده فولکلور کردستان است که قبلاً در چند جشنواره حضور داشته است. جشنواره زوم یکی از مهم‌ترین جشنواره‌های مستقل فیلم اروپاست که در کشور لهستان برگزار می‌شود. مستند «سقف سنگی» ساخته رویا ربانی از دیگر آثاری بود که در این جشنواره به نمایندگی از سینمای ایران حضور داشت. این جشنواره از ۱۴ تا ۱۹ اسفندماه برگزار شد.

